

آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی

دکتر علی نقی فقیهی*

دکتر محسن شکوهی یکتا**

اکرم پرند***

چکیده

آموزش جنسی یکی از موضوع‌های مهم در حوزه‌ی تربیت است و در چگونگی شکل‌گیری شخصیت انسان نقش مهمی داشته، بر افکار، عواطف و رفتارهای انسان تأثیرگذار است. با وجود اهمیت این موضوع، به ویژه در کشور ما، برنامه‌های آموزشی مدون و مناسبی در این زمینه وجود ندارد و اغلب نوجوانان آگاهی‌های جنسی را از منابع نامناسب و با روش‌های نادرست کسب کرده، اطلاعات کافی درباره‌ی این موضوع ندارند. در کشورهای غربی نیز با وجود آموزش‌های جنسی متنوع به نظر می‌رسد که هنوز، بسیاری از نوجوانان فاقد آگاهی‌های لازم در این زمینه‌اند. هدف مقاله‌ی حاضر بررسی اهداف، اصول، محتوا، شیوه‌ها و فواید آموزش‌های مناسب جنسی در فرهنگ اسلام و تحقیقات روان‌شناختی است. در این مقاله، با بررسی متون اسلامی و پیشینه‌ی مطالعات روان‌شناختی، اهمیت و ضرورت آموزش‌های جنسی، روش‌ها و منابع مناسب آن و پیشگیری از انحرافات جنسی بررسی و در پایان، به نتیجه‌گیری درباره‌ی آموزش‌های جنسی پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: آموزش جنسی، تربیت جنسی، انحرافات جنسی

Email:an-faghihi@qom.ac.ir

* استادیار دانشگاه قم

** استادیار دانشگاه تهران

*** دانشجوی دوره‌ی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۸۷/۵/۳۰ تاریخ تأیید: ۸۷/۹/۵

مقدمه

بحث درباره‌ی غریزه‌ی جنسی و عوامل رشد آن، انگیزه و نقش جنسی دختر و پسر و چگونگی برخورد با آن، در میان پیروان ادیان الهی که تاریخ‌شان در دست ماست همچون یهود و مسیحیت مطرح بوده است. با توجه به منابع موجود می‌توان گفت دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی تربیت جنسی، به ویژه چگونگی آموزش نوجوانان، در دوران بلوغ ابراز شده است. انسان‌ها و در رأس آنها، انبیا و علما به تربیت و آموزش جنسی اهمیت داده، در مقاطع خاصی به آن همت گماشته‌اند (اسماعیلی، ۱۳۸۱).

همچنین در قرآن و حدیث و به تبع آن، در کتاب‌های اخلاقی و فقهی، به ویژه در موضوع نکاح، به صورت مستقیم و غیر مستقیم به موضوعات جنسی، در دوره‌های مختلف پرداخته شده است. امروزه روان‌شناسان نیز از فروید تا یونگ، آدلر، هورنای، فورلر و فرانکل درباره‌ی موضوعات جنسی بحث و نظریات متفاوتی را مطرح کرده‌اند (فقیهی، ۱۳۸۴).

آموزش جنسی و اهمیت آن

هر نوجوانی با آموختن نکاتی درباره‌ی آناتومی و فیزیولوژی تولید مثل، نگرشی به آن پیدا می‌کند و این نگرش بر رفتار جنسی آینده‌ی او تأثیر خواهد گذاشت. هر گاه به دانش مربوط به تولید مثل و موضوعات جنسی، بر اساس برنامه‌های طراحی شده برای آموزش رفتار جنسی و نگرش به آن توجه شود، آموزش جنسی^۱ نامیده می‌شود. از دیدگاه اسلامی، هدف از آموزش جنسی ایجاد نگرش‌های سالم و بیان اطلاعات مناسب درباره‌ی موضوعات جنسی است و باید شامل آموزش‌هایی باشد که به بهداشت روانی و سازگاری اجتماعی بینجامد و پیشامدهای ناشی از ناسازگاری اجتماعی و نابهنجاری‌های اخلاقی را به کمترین حد برساند (همان).

در حقیقت، مقصود از تربیت جنسی، از دیدگاه اسلامی این است که فرد را به گونه‌ای تربیت کنیم که وقتی به سن بلوغ رسید، حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد؛ به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد؛ از بی‌بند و باری پرهیزد و راه و رسم عفت اسلامی خلق و خوی او باشد.

1. sex education

انگیزه و رفتار جنسی غریزی است؛ ولی تحت تأثیر عوامل محیطی، کاملاً طبیعی باقی نمی‌ماند و جهت‌های خاصی می‌گیرد؛ از این رو، تکامل زندگی جنسی را نمی‌توان به طبیعت سپرد و از پرورش صحیح آن غفلت کرد؛ بلکه در جهت دستیابی به اهداف مطلوب و جهت دادن فعالیت‌های جنسی باید کوشش نمود. فعالیت‌های جنسی، بدون جهت‌دهی صحیح و برخورداری از برنامه‌ای معین، مشکلاتی را به وجود خواهد آورد که سلامت جسم و روان را به خطر می‌اندازد؛ از سوی دیگر، رها کردن کودک تا سنین نوجوانی و جوانی و عدم تربیت صحیح، او را از رسیدن به سعادت که هدف آفرینش انسان است، باز می‌دارد. امام علی (ع) نداشتن ادب و محروم بودن از تربیت صحیح را عامل تمامی بدی‌ها دانسته، فرمود: «بی‌ادبی و عدم تربیت صحیح باعث هر بدی می‌گردد»^۱ (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ص ۲۵۸).

با این وصف، والدین و معلمان و مربیان موظف‌اند با آموزش‌های مستقیم و غیر مستقیم موقعیت را به گونه‌ای فراهم آورند که همراه با رشد طبیعی، آگاهی‌های جنسی و مهارت‌های کنترل در نوجوانان و کودکان افزایش یابد تا به میل و اختیار خود، از خطاهای جنسی اجتناب کنند. آموزش مسائل جنسی، به صورت صحیح و کامل در هر دوره، در کنار فراگیری ارزش‌ها و هنجارهای دینی و پرورش مهارت‌های کنترل، افراد را به سوی صلاح و پرهیز از فساد سوق می‌دهد و موجب سلامت روان نسل جوان و جامعه می‌شود.

فواید آموزش جنسی در تحقیقات روان‌شناختی

از نظر هوستون، مارتین و فلدز^۲ (۱۹۹۰)، افرادی که در سمینارها و برنامه‌های آموزش جنسی شرکت می‌کنند، بسیار راحت‌تر می‌توانند راجع به مسائل جنسی با نوجوانانشان صحبت کنند؛ همچنین این والدین منابع مناسب خواندنی را درباره‌ی مسائل جنسی برای فرزندان خود فراهم می‌آورند (کارون و همکاران، ۱۹۹۳). در پژوهشی ادلوی^۳ (۱۹۹۱) نشان داد بیشتر والدین با داشتن یک واحد درسی راجع به آموزش جنسی، در مدارس فرزندانشان موافق بودند. کینگ، پاریسی و ادویر^۴ (۱۹۹۳) اظهار کرده‌اند در پژوهش آنها، فقط ۱۸ درصد از شرکت‌کنندگان که هیچ دوره‌ی آموزش جنسی‌ای

۱. عَدُمُ الْأَدَبِ سَبَبُ كُلِّ شَرٍّ.

2. Huston, Martin & Foulds

3. Adeloys

4. King, Parisi & Odwyer

نگذرانده بودند، راجع به مسائل جنسی با کودکانشان گفت و گو کرده بودند؛ در صورتی که ۸۶/۵ درصد آنهایی که آموزش جنسی دیده بودند، راجع به مسائل جنسی با فرزندانشان گفت و گو داشت. یکی از پرسش‌های مورد توجه برخی از پژوهشگران این بوده است که آیا گذراندن یک دوره‌ی آموزش جنسی برای افراد جوان آثار درازمدتی بر تمایل آنها برای بحث درباره‌ی مسائل جنسی با فرزندانشان، در آینده خواهد داشت یا خیر؟ مطالعات متعددی نشان داده است این دوره‌های آموزشی تأثیرات درازمدتی بر اعضای شرکت‌کننده داشته است.

به طور کلی، در دوره‌های آموزش جنسی، نوجوانان می‌توانند ارزش‌ها و نگرش‌های جنسی خود را بیان و تبادل نظر کنند (رودریگوئز، ۱۹۸۹). در همین زمینه، پیلائی و یاتس^۱ (۱۹۹۳) معتقدند اولین قدم برای جلوگیری از انحرافات جنسی و بارداری در نوجوانان، دوره‌های آموزش جنسی است و این گونه برنامه‌ها ممکن است نتایج مثبتی به بار آورد. آموزش جنسی صحیح در مدارس باعث می‌شود مسئولیت‌پذیری و درک نوجوانان از امور جنسی افزایش یابد (منیو و همکاران، ۱۹۹۸). به طور کلی، برنامه‌های آموزش جنسی، آگاهی درباره‌ی مسائل جنسی را همراه شکیبایی، در نوجوانان افزایش می‌دهد (ویسر و وان - بیل‌سن، ۱۹۹۴). برنامه‌های آموزش جنسی باعث می‌شود شروع آمیزش جنسی به تأخیر افتد (یورگنسن پتس و کمپ، ۱۹۹۳؛ کربای و بارت و لیلاند و فترو، ۱۹۹۱؛ زابین و هیرش و اسمیت و استریت و هاردی، ۱۹۸۶) و بارداری و سقط جنین در آموزش‌دیدگان کاهش یابد (وینست و کلیری و اسپلوکتر، ۱۹۸۷؛ ویلیامز و آکلین و نورتن، ۱۹۸۵).

پژوهشگران بسیاری که به بررسی تأثیر آموزش جنسی پرداخته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش جنسی باعث می‌شود فعالیت جنسی، بارداری ناخواسته و سقط جنین کاهش یابد (دارز، چایکس - دارند، مائورین و ویالا و جرمی، ۱۹۸۹؛ دایکاس و کاستنر، ۱۹۹۰؛ ادواردز و استین من و آرنولد و هاکانسون، ۱۹۸۰؛ هاوارد و مک کاب، ۱۹۹۰؛ نافستد، ۱۹۹۲؛ برد ملی سوئد، ۱۹۷۸؛ اشینک و بلایت و گیلچرست و برت، ۱۹۸۱؛ ترنر و کورپیتا و مون و هیل، ۱۹۹۳).

1. Pillai & Yates

نتایج برخی از مطالعات نشان داده است افرادی که در برنامه‌های آموزش جنسی شرکت می‌کنند، هیچ افزایشی در رفتار جنسی یا تعداد شرکای جنسی آنها مشاهده نمی‌شود (اندرسون و همکاران، ۱۹۹۰؛ داوسون، ۱۹۸۶؛ فرستنبرگ و مور و پترسون، ۱۹۸۵؛ کو و سانستین و پلک، ۱۹۹۲؛ فیلیپر و تاتوم، ۱۹۸۲؛ پیکدی - ویز، دایز - لوینگ، اندراده، پالوس و دیوید، ۱۹۹۰؛ اسپانیر، ۱۹۷۸). مطالعات بسیاری نشان داده است که آموزش جنسی بر سطوح فعالیت جنسی تأثیر ندارد (بالدوین و وایتلی و بالدوین، ۱۹۹۰؛ برگر، ۱۹۸۷؛ برنارد و شوارتز، ۱۹۷۷؛ بلانچارد و نارینگ و میچاد و دوبویس - آربر، ۱۹۹۳؛ دیویدسون و دارلینگ، ۱۹۸۶؛ دی فاین الواریوس و وارم و پترسون و کرون و لاینگ، ۱۹۹۲؛ دیگنان و دنسون و انسیاخ و سی‌مایچ، ۱۹۸۵؛ ایسن و زلمن، ۱۹۸۷؛ هرلیتز، ۱۹۹۳؛ کیربای، ۱۹۸۵؛ ریز و زیمرمن، ۱۹۷۴؛ ساکوندهاوات و لانگ تونگکام و کاناتو و کاجایست، ۱۹۸۸؛ سیگال و دیکلمنت و دوباین و کراسووسکی و سالیبا، ۱۹۹۵؛ ویز و رانینووتیز و روکستال، ۱۹۹۲؛ ویلانت و جون، ۱۹۹۲؛ یاربر و آنو، ۱۹۸۱)؛ البته پژوهش‌های محدودی نشان می‌دهد که آموزش جنسی سبب می‌شود فعالیت جنسی در آموزش‌دیدگان افزایش یابد (مارسیگلیو و موت، ۱۹۸۶).

اهداف دوره‌های آموزش جنسی

بررسی پیشینه‌ی پژوهش درباره‌ی مسائل جنسی حاکی از آن است که بیشتر پژوهشگرانی که در این زمینه تحقیق کرده‌اند، یادآور شده‌اند که دوره‌های آموزش جنسی به دنبال اهدافی نظیر موارد زیر است:

۱. جلوگیری از بارداری ناخواسته؛
۲. کاهش بروز بیماری‌های واگیردار جنسی؛
۳. کاهش میزان اطلاعات نادرست در این زمینه؛
۴. کمک به نوجوانان و جوانان برای تصمیم‌گیری مناسب درباره‌ی مسائل جنسی؛
۵. کمک به نوجوانان برای اینکه درباره‌ی نقش زنان و مردان در جامعه سؤال و تأمل نمایند؛
۶. فراهم آوردن چارچوب اخلاقی برای ابراز احساسات جنسی (ریسز، ۱۹۹۳).

روشن است که این هدف‌های جزئی بخشی از اهداف آموزش جنسی است. پرورش هویت جنسی مطلوب، سالم‌سازی روابط جنسی و پیشگیری از انحرافات جنسی از هدف‌های مهم آموزش جنسی، در جوامع مختلف است. تاریخچه‌ی آموزش جنسی، در غرب، نشان‌دهنده‌ی گسترده‌تر شدن اهداف آن است. امروزه برنامه‌های آموزشی اهداف متعدد و گسترده‌تری را دنبال می‌کند. برخی از پژوهشگران معتقدند که برای ثمربخشی آموزش‌های جنسی، مداخله‌های دقیق و مناسب، با اهداف تعیین‌شده و روش‌شناسی مقبول لازم و ضروری است (ملابی و فلیس و تریپ، ۱۹۹۲).

اصول آموزش جنسی

منظور از اصول آموزش جنسی، دستور العمل‌های نسبتاً کلی‌ای است که در تربیت جنسی باید رعایت شود. این اصول غالباً، در همه‌ی مقاطع سنی وجود دارد (فقیهی، ۱۳۷۵). در اینجا، به بررسی بعضی از این دستور العمل‌ها، از دیدگاه اسلام می‌پردازیم.

۱. اصل توجه به طبیعی و طیب بودن غریزه‌ی جنسی: در متون حدیثی، بر طبیعی و طیب بودن این نیاز و نفی پستی از آن تأکید شده است؛ برای مثال هنگامی که به حضرت پیامبر اکرم (ص) خبر رسید که عده‌ای از مسلمانان از زنان خود کناره‌گیری کرده‌اند و به عبادت مشغول شده‌اند، حضرت، آنها را مذمت و نکوهش کرده، فرمود: «آیا از زنان روگردان شده‌اید؛ در حالی که من (که پیامبر شما هستم) از این امر روگردان نشده‌ام و روز غذا می‌خورم (همه‌ی روزها را روزه نمی‌گیرم) و شب می‌خوابم (تمام شب را به عبادت نمی‌گذارم).؟ پس هر کسی از سنت من روگردان شود، از من نیست» و به این مناسبت، خداوند متعال، این آیه را نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (مائده، ۸۷)؛ نعمت‌های پاکیزه و حلالی را که خداوند به شما ارزانی داشته، بر خود حرام نکنید، اما از چارچوب حلال نیز تجاوز نکنید که خداوند تجاوزگران را دوست ندارد﴾ (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰).

این رفتار رسول اکرم (ص) و آیه‌ی مرتبط با آن حاکی از آن است که تمایل زن و مرد به یکدیگر، طبیعی و مطلوب است و مانند تمایل انسان به خوردن و خوابیدن، به خودی خود نکوهیده نیست؛ بلکه انسان همان طوری که از نعمت‌های خداوندی مانند

خوراکی‌ها استفاده می‌کند و لذت می‌برد، به طور طبیعی، از غریزه‌ی جنسی لذت برده، از سرکوب آن خودداری می‌نماید.

۲. توجه به هماهنگی نیاز جنسی با نیازهای عالی انسانی: از دیدگاه اسلامی، نیاز جنسی در آدمی با نیازهای دیگری مانند دوست داشتن، انس، الفت و رابطه‌ی عاطفی آمیخته است؛ از این رو، باید مجموعه‌ی این نیازها را ساختار واحدی دانست که همه‌ی آنها، هماهنگ با هم، در رفتار جنسی تبلور می‌یابد. امام رضا(ع) فرمود: «اگر درباره‌ی ازدواج آیتی محکم و سستی پیروی شده از رسول خدا(ص) هم نبود، باز موضوع نیکی به خویشاوندان و مأنوس شدن با بیگانه که زمینه‌ی آن را خداوند، به صورت طبیعی، در انسان‌ها قرار داده است، انگیزه‌ای بود که خردمند صاحب‌دل به ازدواج رغبت کند و عاقل درست‌اندیش به آن بشتابد»^۱ (محمدی ری شهری، ۱۳۷۶، ص ۲۲۴۸-۲۲۴۹)؛ همچنین رسول اکرم(ص) فرمود: «بنایی در اسلام، نزد خدا، محبوب‌تر و عزیزتر از ازدواج نیست»^۲ (مجلسی، ۱۴۱۳، ص ۲۲۲). از این دو حدیث می‌توان دریافت که: رابطه‌ی جنسی، طبیعی است و عمل جنسی نه تنها مذمت نمی‌شود و عملی پست نیست، بلکه خردمندانه است.

۳. اهمیت ازدواج: بنای روانی و عاطفی انسان با ازدواج و ارضای این غریزه‌ی طبیعی سامان می‌پذیرد و باعث خلق و خوی نیکو و روابط عاطفی و انسانی مطلوب می‌شود که محبوب خداوند متعال است. خردمندانه بودن ازدواج و محبوب بودن آن، نزد خداوند، به این علت است که ازدواج و ارتباط جنسی با احساسات عالی انسانی آمیخته و زمینه‌ساز آن است که انسان عملاً، به بسیاری از فضایل اخلاقی و روابط اجتماعی مناسب روی آورد.

۴. تبعیت تربیت جنسی از نظام تربیتی: از منظر اسلام، تربیت جنسی تابع ضوابط کلی نظام تربیتی است و باید زمینه‌ساز اهداف کلی تعلیم و تربیت در راه تکامل انسان و هدف عالی قرب باشد؛ از این رو است که در متون حدیثی، بهترین وسیله‌ی یاری‌دهنده

۱. لو لم تکن فی المناکحه و المصاهره آیه محکمه و لا سنه متبعه، لکان فیما جعل الله فیها من برّ القرب و تألف البعید، ما

رغب فیہ العاقل اللّیب و سارع لیها لموفق المصیب.

۲. ما بنی بناء فی الإسلام بناءً أحبّ إلی الله عزّ و جلّ و أعزّ من التزوید.

برای اطاعت پروردگار و دیانت مؤمنان عنوان شده است. رسول اکرم (ص)، پس از ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س)، از حضرت علی (ع) پرسید: «برداشت تو از همسرت چیست؟»، حضرت علی (ع) فرمود: «بهترین کمک کننده بر اطاعت پروردگار است»^۱ (همان، ص ۱۱۷).

در باب توجه به ازدواج، پیامبر اکرم (ص) به یکی از اصحاب که جوانی مجرد بود، فرمود: «ای جویرا! ای کاش ازدواج می کردی تا عفت خود را حفظ کنی و این امر کمک تو در دین و دنیا باشد»^۲ (همان، ص ۱۱۸؛ حر عاملی، ۱۳۹۸، ص ۱۴).

۵. حفظ ارزشمندی تربی: توجه دادن نوجوان به کرامت و بزرگی خویش، از طریق تکریم وی، جلوگیری از توهین به شخصیت او و دوری شدید از خوار شمردن وی یکی از اصول مهمی است که می تواند به صورت یک کنترل درونی، مانع از ارتکاب اعمال پست و مبتنی بر امیال افراط گرایانه شهوانی شود. امیر المومنین فرمود: «کسی که کرامت نفس داشته باشد، امیال و شهوات افراطی پیش او پست جلوه می کند»^۳ (مجلسی، ۱۴۱۳، ص ۷۸)؛ منظور این است که اگر ارزشمندی و عزت کسی درونی شده باشد و احساس کرامت کند، امیال پست و ناشایست در او شکل نمی گیرد.

۶. ارایه‌ی آموزش متناسب با سن و ویژگی‌های یادگیرنده: آگاه‌سازی‌ها باید با توجه به موقعیت سنی و روانی - عاطفی، به دو شیوه‌ی مستقیم و غیر مستقیم باشد؛ برای مثال زمانی که فرزندان، در آستانه‌ی بلوغ هستند و انگیزه‌ی جنسی، در آنها، تا حدی بیدار می شود، باید از هر دو شیوه استفاده نمود و با راهنمایی‌های به موقع، آنان را از نشانه‌های بلوغ و عوارض آن آگاه ساخت تا از بروز نگرانی و اضطراب که معمولاً در این زمان به وجود می آید، جلوگیری شده، آن را امری طبیعی تلقی نمایند. ارایه‌ی راهنمایی‌های به موقع، نوجوان را از مراجعه به دوستان یا احیاناً، خواندن کتاب‌هایی که معمولاً، زیان‌های گوناگون دارد، بی‌نیاز می سازد. آگاهی دادن به کودکان، در آستانه‌ی بلوغ، درباره‌ی تحولات جسمی و روانی آنها و نشانه‌های جدید و ناشناخته‌ای که به وجود می آید، لازم و ضروری است و آنان را نباید در ابهام رها کرد. از طرفی، با توجه

۱. سأل رسول الله (ص) علیاً (ع): «کیف وجدت اهلک؟» قال: «نعم العون علی طاعة الله».

۲. یا جویرا! لو تزوجت امرأة فغففت بها فرجک و أعانتک علی دنیاک و آخرتک.

۳. مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ.

به اینکه دختران، حدود دو سال، زودتر از پسران به بلوغ می‌رسند، وظیفه‌ی مادران در مورد دختران حساس‌تر است. مادر باید با صمیمیت و دلسوزی، در کنار دختر تازه‌بالغ خود باشد و همواره، نقش راهنمایی آگاه و محرم اسرار را ایفا نماید؛ همین وظیفه را پدر در مورد پسر نوجوان خود دارد. در تمام این مراحل، باید آگاهی دادن توأم با عفت و مراعات ظرافت‌های لازم باشد تا پرده‌های حجب میان فرزندان و والدین از بین نرود (سادات، ۱۳۶۸).

۷. **درهم آمیختگی تقوا و تأمین نیاز:** رعایت تقوا و ترس از عذاب الهی، نقش مهمی در کنترل غرایز از جمله غریزه‌ی جنسی دارد. کسی که هدایت و زمام حواس ظاهر و باطن خود را به عقل و شرع سپرده باشد، به راحتی می‌تواند هنگام انتخاب‌ها (برای تأمین نیاز و ارضای خود) راه شایسته را برگزیند و از لغزش‌ها مصون بماند. کسی که در زندگی روزمره، خدا را شاهد و ناظر گفتار و کردار خود ببیند، با تمام وجود تلاش می‌نماید که رضایت او را به دست آورد (ثابت، ۱۳۷۹).

۸. **آموزش تدریجی:** آموزش جنسی همانند حوزه‌های دیگر تربیت، دفعی نیست و در طی زمان و به تدریج، در طول مراحل رشد باید انجام پذیرد. رعایت اصل تدریج به این صورت است که با توجه به مسائل عمده‌ی جنسی، در هر مرحله از رشد، آموزش‌های لازم ارایه گردد تا در سنین مختلف، مجموعه‌ی آموزش‌ها آموخته شود. نباید انتظار داشت که مرتبی همه‌ی مطالب را یکباره درک کند؛ بلکه به مقتضای هر مرحله، به تدریج، بخشی از مطالب یاد گرفته می‌شود. آموزش باید از مطالب ساده آغاز و در ادامه، مطالب پیچیده‌تر را دربرگیرد؛ به همین دلیل، در متون روایی، در هر مرحله‌ی سنی، آموزش‌های مختلفی با هدف تربیت جنسی مطرح گردیده است. در ادامه‌ی این مقاله، به برخی از روایات در این زمینه اشاره شده است.

به طور کلی، از دیدگاه اسلامی، در آموزش جنسی مانند تربیت‌های دیگر، باید ضوابطی را رعایت کرد. رعایت اعتدال، هدایت متناسب با دوره‌ی رشد، پرورش حیا، پیشگیری از انحرافات جنسی و اصلاح و تغییر رفتار از آن جمله محسوب می‌شود (فقیهی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۰-۳۶۲).

محتوای برنامه‌های آموزش جنسی

در آموزش جنسی، باید به موضوعات پایه‌ای توجه شود. از نظر کامپتون (۱۹۸۹)، آموزش‌دهندگان می‌توانند از برخی از نظریه‌های روان‌شناسی بهره‌گیرند. که راهنمایی‌های کلیدی برای درک بهتر مسائل جنسی انسان در اختیار می‌گذارند. آموزش جنسی می‌تواند اطلاعاتی را درباره‌ی رشد بدن، رفتارهای جنسی و برقراری ارتباط سالم دربرگیرد. محتوای آموزش جنسی باید، متناسب با سن و سطح تحول مخاطبان (لندریو، ۱۹۹۴)؛ همچنین محتوای برنامه‌های آموزش مسائل جنسی باید به گونه‌ای باشد که برای تمامی شرکت‌کنندگان مناسب باشد (ویراکن، ۱۹۹۴).

همان‌طور که افراد درباره‌ی فیزیولوژی جنسی آموزش می‌بینند، باید با مسائل روان‌شناختی مرتبط با آن آشنا شوند (همان). آموزش مسائل جنسی باید دربردارنده‌ی مواردی از نظام و فرایند تولید مثل، آثار توارث، عملکرد بیوشیمیایی مربوط به جنس، تفاوت‌های آناتومی جنس‌ها، تغییرات روان‌شناختی، از کودکی تا بزرگسالی و آثار این تغییرات بر رفتار باشد؛ بنا بر این، باید الگویی چندبعدی شامل ابعاد زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اخلاقی و فرهنگی برای آموزش مسائل جنسی در نظر گرفته شود تا رویکردی منسجم و همراه اطلاعات مناسب و کافی درباره‌ی مسائل جنسی فراهم آید (موگلیا، ۱۹۹۴).

الگوهای تعامل درون خانواده تأثیری مهم بر ارتباط احتمالی این الگوها با میزان آموزش جنسی برای نوجوانان دارد؛ به عبارت دیگر، والدینی که در تعامل با نوجوانانشان ارتباط نزدیک و دوستانه دارند، بسیار بهتر می‌توانند در منزل، به نوجوانان آموزش جنسی بدهند؛ همچنین والدینی که تعامل‌های خانوادگی سالم دارند، در آموزش جنسی فرزندان نوجوان خود بیشترین مداخله را دارند (بالدوین و بارانوسکی، ۱۹۹۰).

در دیدگاه اسلامی، علاوه بر این، بر آموزش ارزش‌های بهنجار و نابهنجار در تمایل و رفتار جنسی، آسیب‌های بهداشتی، جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی ناشی از انحرافات جنسی، شیوه‌های کنترل خود در مقابل انحرافات جنسی، احکام فقهی مربوط به حوزه‌ی روابط دختر و پسر و راهبردهای آماده‌سازی همه‌جانبه برای ازدواج در دوره‌ی نوجوانی و جوانی تأکید شده است. بر اساس این دیدگاه توصیه می‌شود که از برنامه‌های آموزشی تحریک‌کننده پرهیز شود.

شیوه‌های آموزش جنسی

عمده‌ترین شیوه‌های آموزش جنسی که والدین برای آموزش به فرزندان نوجوانشان به کار می‌برند، عبارت است از:

۱. روش آگاهی‌دهنده با ارایه‌ی اطلاعات کافی
۲. روش آگاهی‌دهنده با ارایه‌ی اطلاعات غیر کافی (مثلاً توضیحات خیالی، محدودکننده یا نامفهوم)
۳. روش غیر آگاهی‌دهنده (شامل نادیده گرفتن پرسش‌ها)
۴. روشی که در آن، والدین آموزش را به عهده‌ی منابع دیگر (نظیر بستگان، دوستان، کتاب‌ها و رسانه‌های گروهی) می‌اندازند.

مطالعات نشان داده‌اند که بیشتر والدین، در کشورهای غربی، از روش آگاهی‌دهنده با اطلاعات کافی استفاده می‌کنند و بیشتر نوجوانان نیز این روش را ترجیح می‌دهند. به نظر می‌رسد که روش آموزشی باید، متناسب با سنین رشد، آگاهی‌دهنده، هدایتگر و پیشگیری‌کننده از انحرافات باشد؛ بنا بر این، از نادیده گرفتن پرسش‌ها یا دادن اطلاعات نامفهوم و خیالی باید پرهیز شود و بهتر است والدین با یادگیری شیوه‌های آموزشی مطلوب، خود، عهده‌دار آموزش جنسی فرزندان شوند.

آموزش جنسی را چه کسانی باید ارایه دهند؟

آموزش مسائل جنسی می‌تواند در خانه و مدرسه صورت پذیرد و اگر با هماهنگی و همراهی خانه و مدرسه انجام شود، نتیجه بهتر و سریع‌تر حاصل می‌گردد. لازم است این آموزش‌ها به گونه‌ای القا شود که کمترین عوارض سوء را داشته باشد. با توجه به اینکه همه‌ی مسائل جنسی در یک سطح تحریک‌کنندگی نیستند، آنچه تحریک‌کنندگی بالایی دارد، باید به صورت غیر مستقیم آموزش داده شود. در آموزش باید، به سطح درک و فهم متربی توجه کرد. به نظر می‌رسد مناسب‌تر است که دستورات و تعالیم شرعی، به صورت مستقیم، و آنچه ناشی از کنجکاوی و تحریکات است، غیر مستقیم آموزش داده شود.

به نظر کیمن^۱ (۱۹۹۵)، والدین باید بنا بر دو فرض مسلم، مسائل جنسی را به

فرزندان خود آموزش دهند:

1. Kyman

۱. والدین زمینه‌ی دانش کافی درباره‌ی مسائل جنسی را همانند یک مربی خوب و ماهر دارند.
۲. گرفتن تصمیم مبنی بر آموزش مسائل جنسی به فرزندان، در حیطه‌ی اختیارات خود والدین است.

والدینی که تصمیم ندارند مربی آموزش جنسی به فرزندان باشند یا تمایل ندارند که در مدارس، فرزندانشان درباره‌ی مسائل جنسی آموزش ببینند، اصولاً از این هراس دارند که این آموزش‌ها بی‌قیدی در امور جنسی را در فرزندانشان رواج دهد (ادلوی، ۱۹۹۱). ریس و سیدل^۱ (۱۹۸۹) در همین زمینه اظهار می‌دارند که مدیران و معلمان، والدین را مانعی عمده در اجرای برنامه‌های رسمی آموزش جنسی در مدارس می‌دانند و احساس می‌کنند والدین عموماً، هنگام صحبت راجع به مسائل جنسی با فرزندانشان احساس ناراحتی می‌کنند.

آموزش جنسی در دوران کودکی

آموزش جنسی و نقش جنسیتی، اصطلاحاً به فرایندی گفته می‌شود که کودکان، از طریق آن، با ارزش‌ها، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهایی آشنا شوند که در یک فرهنگ، مخصوص مردان یا زنان است و هدف از آن، پرورش کودکان برای ایفای نقش جنسیتی ویژه است. بر اساس چنین فرایندی، کودک به مفاهیمی چون نقش رفتار جنسی، الگوهای رفتاری طبقه‌بندی شده و پذیرش نقش جنسیت توجه می‌کند (حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲). تحقیقات نشان می‌دهد که قسمت عمده‌ی تجارب یادگیری جنسی، در دوران کودکی، بدون دخالت پدر و مادر است؛ ولی توجه آگاهانه به جنس کودک در رفتار و نوع برخورد والدین بسیار مؤثر است؛ مثلاً در خانواده‌ها، با پسر بچه‌ها با خشونت بیشتری نسبت به دختر بچه‌ها رفتار می‌شود (کاپلان و سادوک، ۱۳۷۹) یا به پوشاندن لباس‌های مناسب با جنسیت دختر به دختران و لباس‌های مناسب پسر به پسران و یادآوری رفتارهای مناسب برای دختران و پسران اهمیت داده می‌شود؛ به طوری که اغلب، از مهم‌ترین آداب تربیتی در خانواده به شمار می‌آید (احمدی، ۱۳۷۳).

1. Reis & Seidl

گرچه بعضی از افراد عقیده دارند تربیت جنسی ویژه‌ی دوران بلوغ است، تحقیقات نشان می‌دهد توجه به امور جنسی و موضوعات مربوط به آن، از کودکی آغاز می‌شود. سربین^۱ مطالعات وسیعی در زمینه‌ی عوامل شناختی کرده که نشان می‌دهد تربیت جنسی، از سنین اولیه‌ی کودکی لازم است. مسائل جنسی برای نوجوانان در سنین بلوغ مرموز نیست و آنان کمتر به اطلاعات مفید نیازمندند؛ چون نوجوان، در سال‌های قبل، از راه‌های مختلف، اطلاعات جنسی خود را به دست آورده است. باید توجه داشت از نظر اسلام، دوران بلوغ، دوران افزایش هدایت و کنترل است؛ نه دوران آغاز تربیت جنسی؛ از این رو، به این امر، از سنین کودکی باید توجه شود و تعویق این نوع تربیت ممکن است انحراف از رشد طبیعی را به دنبال داشته باشد (معرفاوی، ۱۳۷۹).

راهبردهای آموزش جنسی در دوران کودکی

در زمینه‌ی آموزش‌های جنسی، در متون دینی و روان‌شناختی، راهبردهایی ارائه شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۱. **ارایه‌ی اطلاعات متناسب با سن کودک:** رفتار آدمی متأثر از اندیشه‌ها، امیال و آرزوهایی است که در دوران کودکی داشته است. اگر کودک در مورد مسائل جنسی اندیشه‌های درست داشته باشد، قطعاً در دوره‌های بعد زندگی، رفتارهایی سازگار و هماهنگ با اهداف متعالی انسانی خواهد داشت؛ از این رو، اطلاعات جنسیتی مربوط به دختر و پسر و انتظاراتی که از هر یک، در رفتارها، بازی‌ها، لباس پوشیدن‌ها و مانند آن وجود دارد، باید با روش‌های مناسب، به آنها منتقل شود. در سنین پایین، نباید به مسائل جنسی دامن زد و ذهن جست و جوگر و فعال کودک را با ارایه‌ی افکار و تحریکات مسائل جنسی آلوده کرد؛ بنابراین، باید زمانی که کودک به بلوغ جنسی نزدیک می‌شود و نسبت به امور جنسی درک و فهمی پیدا می‌نماید، به فراخور درک وی، به مسائل جنسی پرداخت (ثابت، ۱۳۸۱).

۲. **پاسخ مناسب به پرسش‌های جنسی کودک:** کودکان معمولاً، در دوره‌ی پیش از بلوغ، مستقیم یا غیر مستقیم، پرسش‌هایی درباره‌ی امور جنسی دارند. بعضی از پدران و

1. Serben

مادران به انگیزه‌ی پرده‌پوشی از پاسخ دادن به کودکان طفره می‌روند و با عباراتی نظیر «بزرگ می‌شوی، می‌فهمی» و امثال آن بچه‌ها را ساکت می‌کنند؛ بعضی والدین پاسخ می‌دهند؛ اما پاسخ‌های نادرست که خود کودک غالباً متوجه آنها می‌شود. این دو روش هیچ‌کدام درست نیست؛ زیرا کودکی که سؤال می‌کند و راهنمایی نمی‌شود، ممکن است به وسیله‌ی دیگران منحرف گردد. خوشبختانه این پرسش‌ها نسبتاً ساده است و می‌توان به راحتی، به آنها پاسخ مناسب داد.

پاسخ، باید در حد فهم کودک بوده، حاوی بدآموزی نباشد تا زمینه‌ی لغزش و انحراف او را فراهم نکند. پاسخ‌ها باید درست و خالی از اوهام، قانع‌کننده، بدون هتک حرمت و توأم با حیا بین فرزند و والدین باشد؛ همچنین نباید در سؤال‌کننده تنفر و بی‌میلی به پرسش جنسی ایجاد کند. عادی برخورد کردن با سؤال‌کننده‌ی مسائل جنسی نیز مهم است تا به مسئله‌ی جنسی حساس تر نشود. از دیگر نکات مهم در پاسخ به پرسش‌های کودکان، اکتفا به کمترین حد و قدر کفایت، کلی‌گویی، طرح موضوعات همراه با تقویت روحیه‌ی معنوی در متربی، زمینه‌سازی‌های مناسب برای پاسخ و در قالب مفاهیم دینی است (همان).

۳. آموزش غیر مستقیم: در دوره‌ی کودکی، آموزش‌های غیر مستقیم مناسب‌تر و مؤثرتر از آموزش‌های مستقیم است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:
- الف. نگهداری حیوانات در خانه: کودکان با دیدن و شنیدن حاملگی حیوانات و نوزادان آنها برخی پاسخ‌های خود را می‌گیرند یا زمینه‌ی درک بهتری از آنها برایشان فراهم می‌گردد. ماه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ب. تولید گل و گیاه: کشت بذر و تولید گل و گیاه و رشد آنها درس مناسب و مشابهی برای فرزندان است.
- ج. ذکر داستان‌ها: داستان‌هایی از زندگی حیوانات و انسان می‌تواند حاوی نکات ارزنده‌ای باشد که پاسخگوی برخی از پرسش‌های کودکان باشد.
- د. توجه دادن کودکان به تولد نوزادان که به صورت طبیعی مشاهده می‌شود، پاسخگوی بعضی از پرسش‌های آنان خواهد بود (همان).

۴. آموزش حدود روابط دختر و پسر: لازم است روابط کودکان تحت نظارت غیر مستقیم والدین باشد؛ زیرا گاهی، در این روابط، تمایلات همجنس‌گرایانه شکل می‌گیرد

و آنها، دور از کنترل والدین، به التذاذ جنسی از همدیگر می‌پردازند؛ از این رو، باید از دوستان و معاشران فرزندان شناخت کافی داشت و حتی روابط خواهران و برادران در خانواده کنترل کافی شود. محرم بودن هر چند از میزان محدودیت می‌کاهد، میل جنسی را از بین نمی‌برد؛ پس نمی‌توان مراقبت را نادیده گرفت (سادات، ۱۳۶۸). لازم است روابط کودکان با نوجوانان کنترل شود. تجربه نشان داده است چون کودکان، در این سنین، رشد عقلی لازم را ندارند، به سادگی ممکن است مورد سوء استفاده نوجوانانی که دستخوش تحولات دوران بلوغ‌اند، قرار گیرند یا با مطالبی آشنا شوند که در آن مرحله‌ی رشد برای آنها مضر است.

۵. پیشگیری از بلوغ زودرس: از عوامل ایجادکننده‌ی بلوغ زودرس می‌توان هورمون‌ها، عامل محیط، مشکلات عصب‌شناختی، بیماری‌های مغزی و جنبه‌های سرشتی را نام برد (شمیل، ۱۳۷۱). تحریکات زودرس جنسی (مثل تماشای فیلم‌های مبتذل)، روابط بدون ضابطه‌ی دختر و پسر و مانند آن برای کودکان عواقب بدی دارد که ممکن است به اعمال انحرافی مانند زنا یا لواط کشیده شوند یا درصدد اغفال خواهر و برادر و دیگران برآیند یا به استمنا مبتلا شوند (امینی، ۱۳۶۸).

به طور کلی، محیط کودک باید زمینه‌ی پرورش عفت و پاکدامنی باشد. تمایلات جنسی کودکان باید طوری پرورش یابد که به موقع بیدار شود و زود تحریک نشود. اسلام برای پیشگیری از انحرافات که از طریق تحریک زود هنگام غریزه‌ی جنسی به وجود می‌آید، توصیه‌های زیادی کرده است؛ از جمله:

الف. نبود کودکان هنگام آمیزش پدر و مادر: در دستورات اسلامی، این موضوع مهم است که محیط خانوادگی برای دور ماندن از تحریکات نابجای کودکان باید پیراسته شود. اگر محیط خانه آرامش روانی داشته باشد، می‌تواند آثار مطلوب و مؤثری در باروری استعدادهای کودکان و فراگیری فضایل اخلاقی آنها داشته باشد. اسلام برای پیشگیری از بلوغ زودرس، به نبود کودکان در کنار والدین، در مواقع خاص دستور داده است.

ب. حد بوسیدن بچه‌ها و نوازش آنها: در مکتب اسلام، درباره‌ی محبت کردن والدین به فرزندان تأکید فراوان شده است؛ چنان که پیامبر اسلام (ص) فرمود: «فرزندانتان را زیاد ببوسید و بدانید با هر بوسه، یک درجه در بهشت دارید» (مشکینی، ۱۳۷۷). اسلام این محبت را لازم می‌داند؛ ولی برای جلوگیری از بروز انحرافات، دستوراتی ارائه

می‌کند؛ مثلاً تأکید شده است که بوسیدن بچه‌ها و بغل کردن و نوازش آنها حدی دارد و نباید افراط و تفریط شود؛ همچنین نباید افراد غریبه به طفل ابراز محبت کنند و او را نوازش کرده، ببوسند؛ زیرا ممکن است سال‌ها پیش از رسیدن به بلوغ باعث شود کودک تحریک جنسی گردد. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «دختر بچه‌ی شش‌ساله را پسر بچه نبوسد؛ همچنین زنان از بوسیدن پسر بچه‌ای که سنش از هفت تجاوز کرده است، خودداری کنند»^۱ (طبرسی، ۱۳۷۶ق، ص ۱۱۵). امیر المؤمنین فرمود: «وقتی دختر بچه‌ای شش‌ساله شد، نامحرم حق ندارد او را ببوسد و همچنین نمی‌تواند او را در آغوش بگیرد»^۲ (همان‌جا).

ج. چگونگی بستر خواب کودکان: راهبرد دیگری که شرع برای پیشگیری از تحریکات جنسی به آن تأکید دارد، جداسازی بستر خواب کودکان از یکدیگر است که برای سنین مختلفی مطرح شده است. حدود سنی مشخص شده، هفت تا ده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «موقعی که فرزندان شما هفت‌ساله شدند، بستر خوابشان را از یکدیگر جدا سازید»^۳ (حرعالملی، ۱۳۸۹ق، ص ۲۸)، و در حدیث دیگر فرمود: «در سنین ده دختر بچه‌ها با دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها با پسر بچه‌ها نخوابند»^۴ (ابو عاشق، ۲۰۰۱، ص ۱۱۲)؛ با این توصیف روشن است که جداسازی بستر کودک از بستر والدین و کودکان دیگر لازم است؛ زیرا باعث خواهد شد از تحریکات جنسی کودک جلوگیری شود.

آموزش روابط سالم دختر و پسر در دوران نوجوانی

ارتباط دختر و پسر نوجوان و جوان یکی از موضوعات مهم فرهنگی و اجتماعی روز است که باید به آن پرداخت. ضرورت بحث در این زمینه از تحقیق زیر روشن می‌شود. طبق آمار یکی از پژوهشگران، در دبیرستان‌های منطقه‌ی ۵ تهران، ۵۴/۲ درصد از دختران و پسران بین سنین ۱۶ تا ۱۹ اظهار داشتند که تا کنون، دست‌کم، با یک جنس مخالف رابطه‌ی دوستی برقرار نموده‌اند و این موضوع از این جهت مهم است که ۹۵

۱. إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةَ سِتِّ سِنِينَ فَلَا يُقْبَلُهَا الْغُلَامُ وَالْغُلَامُ لَا يُقْبَلُهَا وَالْمَرْأَةُ إِذَا جَاوَزَتْ سِتِّ سِنِينَ.

۲. إِذْ أَنْتَ عَلَى الْجَارِيَةِ سِتِّ سِنِينَ لَمْ يَجْزْ أَنْ يُقْبَلَهَا رَجُلٌ لَيْسَتْ هِيَ بِمَحْرَمٍ لَهُ وَلَا يَضُمُّهَا إِلَيْهِ.

۳. فَرِّقُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا سِتِّ سِنِينَ.

۴. الصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ، الصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ، وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ، يَفْرَقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ بَعَشْرِ سِنِينَ.

درصد این جمعیت آماری، مسلمان و بیش از ۸۶ درصد آنها اهل نماز بودند؛ گرچه مراتب پایبندی آنها به نماز متفاوت بود؛ به هر حال این آمار نشان می‌دهد که موضوع رابطه‌ی بین دختر و پسر، در بیش از نیمی از جوانان اهل نماز متداول است (طالبان، ۱۳۷۸). در این مورد لازم است موضوعات اساسی زیر به نوجوانان آموزش داده شود.

۱. جذب دختر و پسر به یکدیگر، از طبیعت انسانی نشئت می‌گیرد و تمایل به انس و انیس، غریزه‌ی جنسی، زیبایی و محبت از جمله‌ی زمینه‌های طبیعی این جذب است. در صورتی که این زمینه‌های طبیعی با سایر زمینه‌های طبیعی و سرشتی دیگر دختران و پسران از قبیل تمایل به خوشبختی، خوبی‌ها، فضایل و ارزش‌ها هماهنگ باشد، زمینه‌ی رشد، تکامل و بالندگی را در آنان فراهم می‌سازد؛ به عبارت دیگر، پرورش مجموعه‌ی تمایلات فطری و به فعلیت رساندن آنها باعث تعالی سلامت روانی می‌شود. در صورتی که این رشد، یک‌جانبه و فقط در محدوده‌ی یکی از آن زمینه‌ها باشد، نابسامانی روانی، مفاسد اخلاقی و مشکلات خانوادگی و اجتماعی از پیامدهای آن خواهد بود.

۲. معیار اصلی در روابط سالم و ناسالم دختر و پسر، هماهنگی یا ناهماهنگی روابط آنها با تمایلات و گرایش‌های طبیعی و فطری است.

۳. لازم است دختر و پسر با مبانی طبیعی و فطری روابط، تمایلات و رفتارهای خود آشنا شوند تا در مواردی که روابط آنها با آن مبانی هماهنگ نیست، با کنترل درونی خود، از آنچه باعث می‌شود شخصیت، عزت و خوشبختی آنها آسیب ببیند، پرهیز نمایند.

دیدگاه قرآنی در روابط دختر و پسر

الف. ارتباط کلامی

ارتباط دختر و پسر، به صورت کلامی، در آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی قصص، درباره‌ی حضرت موسی (ع) و دختران شعیب نقل شده است که می‌فرماید: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾. کلمه‌ی «استحیا» از ارتباط کلامی و چشمی همراه با حیا حکایت دارد؛ یعنی در روابط دختر و پسر حیا باید حفظ شود و حیا همان کنترل خود است که نمی‌گذارد فرد به کار زشت پردازد یا بدون ضابطه اقدام به رفتار بنماید.

ب. ارتباط چشمی

ارتباط‌های چشمی نیز مشروط به غض و خیره نشدن و استمرار نبخشیدن به نگاه و در یک کلمه، نگاه شهوتی نداشتن است و به تعبیر مرحوم شهید مطهری (۱۳۵۳) منظور از غض، چشم‌چرانی است و نظر استقلالیه و برنداز کردن جنس مخالف است و نه نظر آلی و مقدمی، یعنی نگاه کردن مقدمه‌ی حرف زدن و رو به رو شدن باشد.

در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی مبارکه‌ی نور، منظور از ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ و آیه‌ی ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾ امر به ترک نگاه شهوانی است. در شأن نزول این آیات آمده است که روزی، جوانی از انصار، در کوچه‌های مدینه، به زنی برخورد کرد. زنان آن وقت مقنعه‌ی خود را پشت گوش می‌انداختند و قسمتی از گردن آنان دیده می‌شد. جوان مستمر به او نگاه می‌کرد تا آنکه وارد کوچه بنی فلان شدند. جوان که غرق در چشم‌چرانی بود، صورتش به استخوانی که از دیوار بیرون آمده بود، اصابت کرد و خون آمد. در مسیرش، به خدمت حضرت رسول اکرم (ص) رسید. حضرت از او پرسید چه شده است و او جریان را عرض کرد و جبرائیل این آیه را نازل کرد (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۱۱۶).

ج. ارتباط تعاونی

همکاری و کمک جنس مخالف، بر اساس آیات مربوط به حضرت موسی (ع) و دختران شعیب جایز است؛ همچنین آیه‌ی ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (مائده، ۲) که عام است و تعاون دختر و پسر را به یکدیگر نیز شامل می‌شود، دلیل جواز مساعدت جنس مخالف است.

د. ارتباط احساسی

تمایل به ازدواج که در ارتباط دختر و پسر، در آن دو یا یکی از آنها پدید می‌آید، مردود شناخته نشده است؛ البته تمایل مرضی یعنی تمایل به رفتار جنسی بدون ضابطه، جایز نیست؛ دلیل آن آیه‌ی ﴿فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾ است که در برابر محرک گفتاری زنان مطرح شده است (احزاب، ۳۲).

ه. ارتباط تحریکی

در ارتباط‌های دختر و پسر و زن و مرد، نباید محرک‌های شهوی از قبیل محرک‌های صوتی، احساسی و رفتاری وجود داشته باشد؛ قرآن در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی احزاب می‌فرماید: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَا تُكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾.

فراهم ساختن آمادگی روانی برای تشکیل خانواده

برای تقویت نگرش مثبت به ازدواج در جوانان لازم است در آنان آمادگی‌های روانی ایجاد شود. اجرای این وظیفه به عهده‌ی خانواده و مدرسه است. گنجاندن درس‌هایی مانند خانه‌داری، فرزندپروری و احکام، در دوره‌های راهنمایی و متوسطه مفید خواهد بود (شریعتمداری، ۱۳۷۱).

نوجوان باید برای اهدافی چون لذت، آرامش، حفظ عفت، تقویت ایمان، بقای نسل و پرورش نسل صالح، برای ازدواج ضابطه‌مند آماده شود. امام صادق (ع) فرمود: روزی پیامبر اکرم (ص) به منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «ای مردم! جبرئیل از پیشگاه الهی نزد من آمد و گفت دختران بکر مانند میوه‌اند؛ موقعی که می‌رسد، اگر چیده نشود، اشعه‌ی آفتاب، فاسد و وزش باد پراکنده‌اش می‌کند. همچنین دختران وقتی به حد بلوغ رسیدند و مانند زنان، تمایل جنسی احساس نمودند، دارویی جز شوهر ندارند و اگر همسر نگیرند، از فساد ایمن نیستند؛ زیرا آنان بشرند و بشر از خطا مصون نیست»^۱ (فرید تنکابنی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۲).

در دوره‌ی نوجوانی لازم است درباره‌ی شرایط ازدواج و ملاک‌های انتخاب همسر گفت و گو شود. چنانچه فرد به رشد جسمی، فکری، بلوغ و پختگی عاطفی و اجتماعی رسید، تشویق شود تا ازدواج کند. گرچه بلوغ جسمی و جنسی اشخاص زودتر از بلوغ اجتماعی و عقلانی‌شان است، پختگی عاطفی و اجتماعی برای ازدواج لازم است (سجادی، ۱۳۷۹)؛ به همین دلیل استون و استون معتقدند بهترین سن ازدواج زمانی است که بلوغ روحی و اجتماعی روی داده باشد. از بارزترین ملاک‌های انتخاب

۱. ایها الناس ان جبرئیل اتانی عن اللطیف الخیر فقال: ان الأبکار بمنزلة الثمر علی الشجر إذا أدرك ثمره فلم یجتنی أفسدته الشمس و تثرته الریاح و كذلك الأبکار إذا ما یدرک النساء فلیس لهن دواء إلا البعولة و إلا لم یؤمن علیهن الفساد لانهن بشر.

همسر، هم‌کفوی، تشابهات فرهنگی، مذهبی و عقیدتی و تجانس روانی عاطفی است که در احادیث، بر آن تأکید شده است. شایستگی روحی نیز، یکی از ملاک‌های انتخاب همسر است. منظور از شایستگی روحی، رشد و بلوغ روحی است. افرادی هستند که از لحاظ قوای عقلانی و خلق و خو به رشد و کمال رسیده‌اند و می‌توانند در دشوارترین موقعیت‌ها، هماهنگی خود را در ازدواج حفظ کنند و افرادی نیز هستند که به علت خلق و خوی مخصوص و فقدان رشد فکری، در بسیاری از موقعیت‌ها، قادر به حفظ هماهنگی نیستند (استون و استون، ۱۳۷۹).

جوانان باید در انتخاب همسر دقت کافی کرده، توانمندی‌ها، خواسته‌ها و نیازهای یکدیگر را بشناسند و از حقوق خود و همسر خود آگاهی کافی داشته باشند. آنها باید با مهارت‌های مطلوب ارتباطی در زندگی مشترک مانند گفت و گوی حسنه، خوب گوش کردن، ابراز محبت زبانی و عملی، احترام متقابل از طریق ابراز ارزشمندی همسر و تکریم وی، پرهیز از تحقیر و تمسخر، گذشت، خوش‌رویی و معاشرت نیکو آشنا باشند.

جوانان لازم است بدانند که در زندگی مشترک، باید معنویت و اخلاق حکومت کند و از غرق شدن در شهوات و هواهای نفسانی پرهیز کنند (شرفی، ۱۳۷۶). امام علی (ع) فرمود: «کسی که شهوات خویش را محدود نماید و افراط ننماید، از ارزش انسانی و شخصیت معنوی خود محافظت کرده است»^۱ (فرید تنکابنی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۵). اسلام برای پیشگیری از شهوت‌رانی، ارضای میل جنسی را محدود به همسر می‌کند و به کسانی که امکان ازدواج ندارند، پیشنهادهایی از قبیل روزه، ورزش و تقوا می‌کند.

نتیجه‌گیری

یکی از موضوعاتی که پژوهشگران بسیاری به آن علاقه‌مند شده‌اند، مقایسه‌ی بین فرهنگی تأثیر آموزش جنسی روی فعالیت جنسی و پیامدهای ناشی از آن است. مقایسه‌ی مطالعات مختلف، در کشورهای غربی نشان می‌دهد فرهنگ‌هایی که در آموزش جنسی و خدمات مرتبط با آن (مانند تنظیم خانواده) سیاست بازتری دارند، در کاهش میزان بارداری‌های ناخواسته، سقط جنین و بیماری‌های مقاربتی، در جوامع خود

۱. مَنْ حَصَرَ شَهْوَتَهُ فَقَدْ صَانَ قَدْرَهُ.

موفق بوده‌اند (ادلمن و پیتمن، ۱۹۸۶؛ جونز و همکاران، ۱۹۸۵؛ کروگر و ویسنر، ۱۹۸۱؛ سیدلکی، ۱۹۸۷؛ سینخ، ۱۹۸۶).

جونز و همکاران (۱۹۸۵) الگوهای ۳۷ کشور را در زمینه‌ی آموزش‌های جنسی و پیامدهای آن مقایسه کردند. نتایج مطالعه‌ی آنان نشان می‌دهد، در کشورهای غربی که درباره‌ی آموزش‌های جنسی با آزادی بیشتری برخورد می‌شود، میزان بارداری نوجوانان و در نتیجه، سقط جنین کمتر است. مقایسه‌ی بین کشورهای آمریکا، کانادا، انگلیس، ولز، سوئد، هلند و فرانسه نشان می‌دهد که آمریکا بیشترین میزان بارداری نوجوانان و سقط جنین را داشته است. در سال ۱۹۸۰، میزان بارداری نوجوانان ۱۵ تا ۱۹ سال، در آمریکا ۹/۶ درصد، در انگلیس ۴/۵ درصد و در هلند ۱/۴ درصد بود.

با مرور پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌ی آموزش‌های جنسی، در غرب می‌توان دریافت که آموزش‌های جنسی، در کشورهای غربی، بیشتر بر پیامدهای آن نظیر بارداری‌های دوران نوجوانی، بیماری‌های مقاربتی و سقط جنین متمرکز است؛ چراکه در این کشورها، برقراری روابط جنسی قبل از ازدواج نسبتاً رایج است و امری نابهنجار تلقی نمی‌شود. دغدغه‌ی اصلی سیاست‌گذاران و مسئولان تعلیم و تربیت، در کشورهای غربی، کنترل روابط جنسی و نه پیشگیری از روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده است؛ از این رو، در اغلب برنامه‌های آموزشی جنسی غربی، بر آموزش چگونگی انتقال بیماری‌های مقاربتی، به ویژه ایدز، روش‌های جلوگیری از بارداری و رفتارهای جنسی پرخطر تأکید می‌شود؛ در حالی که از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، آموزش‌های جنسی با هدف حفظ سلامت روح و روان تک‌تک افراد و حفظ خانواده صورت می‌گیرد. از این دیدگاه، روابط جنسی ناسالم می‌تواند پیامدهای جسمانی، روانی و اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد.

از دیدگاه اسلامی، هدف از آموزش جنسی، ایجاد نگرش‌های سالم و بیان اطلاعات مناسب و کافی از موضوعات جنسی است و باید شامل آموزش‌هایی باشد که به بهداشت روانی و سازگاری اجتماعی بینجامد و پیامدهای ناشی از ناسازگاری اجتماعی و اختلالات رفتاری و نابهنجاری‌های اخلاقی را به کمترین حد برساند (فقیهی، ۱۳۸۴)؛ بنابراین، سالم‌سازی روابط جنسی و پیشگیری از انحرافات جنسی از هدف‌های مهم آموزش جنسی است.

در محتوای آموزش‌های جنسی باید، ابعاد زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اخلاقی، و فرهنگی در نظر گرفته شود تا رویکردی منسجم و همراه اطلاعات کافی به مسائل جنسی فراهم آید (موگلیا، ۱۹۹۴).

در دیدگاه اسلامی، علاوه بر محتوای مذکور، بر آموزش ارزش‌های بهنجار و نابهنجار در تمایل و رفتار جنسی؛ آسیب‌های بهداشتی، جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی انحرافات جنسی؛ شیوه‌های پرهیز از انحرافات جنسی؛ احکام فقهی مربوط به حوزه‌ی روابط دختر و پسر و راهبردهای آماده‌سازی همه‌جانبه برای ازدواج در دوره‌ی نوجوانی تأکید می‌شود؛ همچنین توصیه شده است که از برنامه‌های آموزشی‌ای که دختران و پسران را از لحاظ جنسی تحریک می‌کند، پرهیز شود.

در آموزش جنسی بر اساس دیدگاه اسلامی، به اصولی با ویژگی‌های زیر توجه شده است:

- الف. نیاز جنسی منشأ طبیعی و فطری دارد.
- ب. به مجموعه‌ای از نیازهای طبیعی توجه شده است.
- ج. با اصول نظام تربیتی هماهنگ است.
- د. این اصول تسهیل‌کننده‌ی مسیر متربی برای دستیابی به اهداف عالی‌تری تربیتی و هدف‌گایی آفرینش است.

دیدگاه اسلامی به آگاه‌سازی نوجوانان و جوانان از آسیب‌های شخصیتی، معنوی، روانی و جسمی و عوارض اخروی روابط ناسالم توجه کرده است. ازدواج موضوع دیگری است که در فرهنگ غرب، کمتر به آن توجه می‌شود؛ در حالی که راهی مناسب برای رفع نیازهای جنسی و حفظ سلامت اخلاقی، روانی و جسمانی جوانان است که اسلام بر آن تأکید کرده است.

منابع

- قرآن مجید.
- ابن ابی الحدید. (بی‌تا)، شرح نهج البلاغه، ط مصر، ج ۲۰.
- ابو عاشق، عبد المنعم ابراهیم. (۲۰۰۱)، تربیت البنات فی الاسلام، مصر، مکتبه اولاد الشیخ للتراث.
- احمدی، علی اصغر. (۱۳۷۳)، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، تهران، انتشارات اولیاء و مریان.
- استون، آبراهام و هانا استون. (۱۳۷۹)، پاسخ به مسائل جنسی و زناشویی، ترجمه‌ی طراز الله اخوان، تهران، نشر ارغوان.
- _____ . (۱۳۷۹)، دانستنی‌های جنسی و زناشویی، ترجمه‌ی محمد رضا دژکام، تهران، کلید طلایی.
- استون، گلوریا و سویر روجی آکوئیس. (۱۳۷۹)، پاسخ به پرسشهای جنسی، ترجمه‌ی ابو الفضل نظری، تهران، نشر ساحل.
- اسماعیلی، اسماعیل. (بی‌تا)، امثال قرآن، تهران، اسوه.
- اسماعیلی، علی. (۱۳۸۱)، جوان، انگیزه و رفتار جنسی، تهران، لقاء النور.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۶۸)، آیین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی.
- انصاری، محمد علی. (۱۳۷۶ق)، ترجمه غررالحکم و درالکلم، قم، مؤسسه‌ی خلیج، ج ۲.
- ثابت، حافظ. (۱۳۸۱)، تربیت جنسی در اسلام. قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____ . (۱۳۷۹)، درآمدی بر تربیت جنسی در نهج البلاغه، تربیت اسلامی، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جمعی از مولفان. (۱۳۷۲)، روان‌شناسی رشد، تهران، سمت.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱۴.
- حر عاملی، محمد بن الحسن. (۱۳۹۸ق)، وسائل الشیعه، تهران، المکتبه الاسلامیه، ج ۵.
- رضازاده، فاطمه بیگم. (۱۳۶۹)، نظام جنسی کودک و نوجوان در اسلام، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

سادات، محمد علی. (۱۳۶۸)، رفتار پدران و فرزندان، تهران، انتشارات اولیاء و مربیان.
سجادی، محمد کاظم. (۱۳۷۹)، پاسخ به سؤالات جنسی کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات هانی.

شرفی، محمد رضا. (۱۳۷۶)، دنیای نوجوان، تهران، تربیت.
شریعتمداری، علی. (۱۳۷۱)، روان‌شناسی تربیتی، تهران، نشر سپهر.
شمیل، شبلی. (۱۳۷۱)، روان‌شناسی بلوغ و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، ترجمه‌ی پروین قاسمی و فضل‌الله شاهلوئی پور، تهران، انتشارات حسام.
طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۶ق)، مکارم الاخلاق، تهران، دارالکتاب الاسلامی.
عطاران، محمد. (۱۳۶۸)، آراء مربیان بزرگ مسلمان، تهران، وزارت آموزش و پرورش، سازمان برنامه‌ریزی آموزشی.

علامه طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۶۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، المکتبه الاسلامیه.

فرید تنکابنی، مرتضی. (۱۳۷۲)، الحدیث، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
فقیهی، علی نقی. (۱۳۷۵)، «اصول تربیت اسلامی»، تعلیم و تربیت، ش ۴۷، ص ۲۱-۴۴.
کاپلان، هارولد و بنیامین سادوک. (۱۳۷۸)، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتار پیروان پزشکی بالینی، ترجمه‌ی نصرت‌الله پور افکاری و محمد باقر کجیاف، روان‌شناسی رفتار جنسی، تهران، نشر روان.

کلینی، محمد بن یعقوب. (بی‌تا)، اصول کافی، تهران، المکتبه الاسلامیه.
کوچنکف و لایبک. (۱۳۶۹)، روان‌شناسی و تربیت جنسی، ترجمه‌ی محمد تقی‌زاده، تهران، بنیاد.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۱۳ق)، بحار الانوار، بیروت، دار لایحیاء التراث العربی.
مشکینی، علی. (۱۳۷۷)، ازدواج در اسلام، قم، انتشارات الهادی.
مطهری، مرتضی. (۱۳۵۳)، مسئله حجاب، تهران، شرکت سهامی انتشار.

معرفاوی، ابراهیم. (۱۳۷۹)، تربیت جنسی تربیت فراموش شده، تهران، نشریه‌ی بهمن.
نوری طبرسی. (۱۹۸۷)، المستدرک الوسائل، بیروت، آل‌البتیة لایحیاء التراث، ج ۲.
والد من، محمد. (۱۳۸۰)، چگونگی تنظیم روابط و رفتارهای جنسی، پایان‌نامه، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- Adeloye, J. A. (1991), "The attitude of adults to the teaching of sex education in post-primary schools", *Nigerian Journal of Guidance and Counseling*, vol 4 (1-2), p.71-78.
- Anderson, J. E. & L. Kann, & D. Holtzman, & others. (1990), "HIV/AIDS Knowledge and sexual behavior among high school students", *Family Planning Perspectives*, 22, p.252-255.
- Baldwin, S. E. & M. V. Baranoski. (1990), "Family interactions and sex education in the home" *Adolescence*, vol 25 (99), p.573-582.
- Baldwin, J. I. S. Whiteley, & J. D. Baldwin. (1990), "Changing AIDS- and fertility-related behavior: The effectiveness of sexual education", *The Journal of Sex Research*, 27, p.245-262.
- Berger, D. K. (1987), "Influence of family planning counseling in an adolescent clinic on sexual activity and contraceptive use", *Journal of Adolescent Health*, 8, p.436-440.
- Bernard, H. S. & A. J. Schwartz. (1977), "Impact of a human sexuality program on sex-related knowledge, attitudes, behavior, and guilt of college undergraduates", *Journal of the American College Health Association*, 25, p.182-185.
- Blanchard, M. & F. Narring & P.A. Michaud & F. Dubois-Arber. (1993), The effect of the Swiss stop-AIDS campaigns 1987-1992: Increase in condom use without promotion of sexual promiscuity. Poster presentation, Track D, Do-D02-3474, Ninth International Conference on AIDS, Berlin.
- Caron, S. L. & D.B Carter & C. M. Daves & E. Macklin. (1993), "Evaluating the effectiveness of workshop interventions on contraceptive use among first year college students", *Journal of Psychology and Human Sexuality*, vol 9 (3-4): 90-120.
- Daures, J. P. & G. Chaix-Durand & M. Maurin & J. L. Viala & F. Gremy. (1989), Preliminary study on the prevention of voluntary terminations of pregnancy and of sexually transmitted diseases in the adolescent by giving information in the third year (of secondary school), *Contraception-Fertilitesexualite*, 17, p.1021-1026.

- Davidson, J. K. & C. A. Darling. (1986), "The impact of college level sex education on sexual knowledge, attitudes, and practices: The knowledge/ sexual experimentation myth revisited", *Deviant Behavior*, 7, p.13-30.
- Dawson, D. A. (1986), "The effects of sex education on adolescent behavior", *Family Planning Perspectives*, 18, p.162-170.
- De Fine olivarius, F. & A. M. Worm & C. S. Petersen & others. (1992), "Sexual behavior of women attending an inner-city STD Clinic before and after a general campaign for safer sex in Denmark", *Genitourinary Medicine*, 68, p.296- 299.
- Dignan, M. & D. Denson & D. Anspaugh & D. C'mich. (1985), "Effects of sex education on sexual behaviors of college students", *Adolescence*, 20, p.171-178.
- Dycus, S. & G. M. Costner. (1990), "Healthy early adolescent development (11-13 year olds): Implementing a human sexuality curriculum for seventh graders", *Elementary School Guidance and Counseling*, 25, p.46-53.
- Edelman, M. W., & K. J. Pittman. (1986), "Adolescent pregnancy: Black and White", *Journal of Community Health*, 11, p.63-69.
- Edwards, L. E. & M. E. Steinman & K. A. Arnold & E. Y. Hakanson. (1980), "Adolescent pregnancy prevention services in high school", *Clinics Family planning perspectives*, 12, p.6-14.
- Eisen, M. & G. L. Zellman. (1987), "Changes in incidence of sexual intercourse of unmarried teenagers following a community-based Sex education program", *The Journal of sex Research*, 23, p.527-544.
- Furstenberg, F. F., K. A. Moor & J. L. Peterson. (1985), "Sex education and sexual experience among adolescents". *American Journal of Public Health*, 75, p.1331-1332.
- Herlitz, C. (1993), "Sexual behavior in the general population of Sweden", *Social Science and Medicine*, 36, p.1535-1540.
- Howard, M. & H. B. McCabe. (1990), "Helping teenagers postpone sexual involvement". *Family Planning Perspectives*, 22, p.21-26.

- Huston, R. L. & L. J. Martin & D. M. Foulds. (1990), "Effect of a program to facilitate parent-child communication about sex", *Clinical Pediatrics*, vol 29 (11), p.626-633.
- Jorgensen, S. R. & V. Potts & B. Camp. (1993), "Project taking charge: Six-month follow-up of a pregnancy prevention program for early adolescents", *Family Relations*, 42, p.401-406.
- King, B. M. & L. S. Parisi & K. R. Odwyer. (1993), "College sexuality education promotes future discussions about sexuality between former students and their children", *Journal of Sex Education and Therapy*, vol 19 (4), p.258-293.
- Kirby, D. & R. P. Barth & N. Leland & J. V. Fetro. (1991), "Reducing the risk: Impact of a new curriculum on sexual risk-taking", *Family Planning Perspectives*, 23, p.253-263.
- Kroger, F. & P. J. Wiesner. (1981), "STD education: challenge for the 80s", *The Journal of School Health*, 51, p.278-281.
- Ku, L. C. & F. L. Sonenstein & J. H. Pleck. The association of AIDS education and sex education with sexual behavior and condom use among teenage men. *Family Planning Perspectives*, 24, p.100-106.
- Kyman, W. (1995), "The first step: sexuality education for parents", *Journal of Sex Education and Therapy*, vol 21 (30), p.153-157.
- Lenderyou, G. (1994), "Sex education: A school-based perspective", *Sexual and Marital Therapy*, vol 9 (2), p.127-144.
- Marsiglio, W. & F. L. Mott. (1986), "The impact of sex education on sexual activity, contraceptive use and pre-material pregnancy, among American teenagers", *Family Planning Perspectives*, 18, p.151-162.
- Mellanby, A. & . helps & J. Tripp. (1992), "Sex education: more is not enough", *Journal of Adolescence*, vol 15 (4), p.446-449.
- Moglia, R. (1994), "sexuality education in higher education in the vsai: Analysis and implication", *Sexual and Marital Therapy*, vol 9 (2), p.181-191.

- Monyooe, L. A. & C. N. Fumba. (1998), Pupils views on sex education in transkei schools, South Africa. *Psychological Reports*, vol 82 (1), p.337-338.
- Nafstad, P. (1992), Evaluation of a program to prevent unwanted pregnancies among young women in the stovener district, oslo, 1988-1990. *Tidsskr Nor loegforen*, 112, p.3112-3114.
- National Swedish Board of Health and Welfare, Committee on health Education. *Living together: A family planning project on Gotland Sweden*. Stockholm, Author, 1978.
- Philliber, S. G. & M. C. Tatum. (1982), "Sex education and the double standard in school", *Adolescence*, 17, p.273-283.
- Pick-de-weiss, S. & R. Diaz - Loving & p. Andrade - Palos & H. P. David. (1990), "Effect of sex education on the sexual and contraceptive practices of female teenagers in Mexico City", *Journal of Psychology and Human Sexuality*, 3, p.71-93.
- Pillai, V. K. & D. L. Yates. (1993), "Teenage sexual activity in Zambia: The need for a sex education policy", *Journal of Biosocial Science*, vol 25 (3), p.411-414.
- Rees, B. & S. Zimmerman. (1974), "The effects of formal sex education on the sexual behaviors and attitudes of college students", *Journal of the American College Health Association*, 22, p.370-371.
- Reis, Janet. & A. Seidl. (1989), "School administrators, Parents, and sex education: A resolvable paradox?", *Adolescence*, vol 24 (95), p.639-645.
- Rodrigues, O. M. (1989), "Proposal for training sex educators in psychology faculties", *Revista latinoamericana de sexologia*, vol 4 (2), p.211-221.
- Sakondhavat, C. & P. Leungtongkum & M. Kanato & C. Kuchaisit. (1988), "Kap study on sex reproduction and contraception in Thai teenagers", *Journal of the Medical Association of Thailand*, 71, p.649-652.
- Schinke, S. P. & B. J. Blythe & L. D. Gilchrist & G. A. Burt. (1981), "Primary prevention of adolescent pregnancy", *Social Work with Groups*, 4, p.121-135.

- Siedlecky, S. (1987), "Sexuality education and the needs of young people", *Health right*, 6 (4), p.11-16.
- Siegal, D. & R. Diclemente & M. Dubin & F. Krasovsky & p. Saliba. (1995), "Change in junior high school students' AIDS-related knowledge, misconceptions' attitudes, and HIV-preventative behaviors: Effects of a school-based intervention", *AIDS Education and Prevention*, 7, p.534-543.
- Singh, S. (1986), "Adolescent Pregnancy in the United States: An interstate analysis", *Family Planning Perspectives*, 18, p.210-220.
- Spanier, G. B. (1978), "Sex education and premature sexual behavior among American college student", *Adolescence*, 13, p.659-674.
- Turner, J. C. & E. Korpita & L. A. Mohn & W. B. Hill. (1993), "Reduction in sexual risk behaviors following a comprehensive health education intervention", *Journal of American College Health*, 41, p.187-193.
- Vincent, M. L. & A. F. Clearie & M. D. Schluchter. (1987), "Reducing adolescent pregnancy through school-and community-based education", *Journal of the American Medical Association*, 257, p.3382-3386.
- Visser, A. P. & B. P. Van. (1994), "Effectiveness of sex education provided to adolescents", *Patient Education and Counseling*, vol 23 (3), p.147-160.
- Weerakoon, P. (1994), "sexuality education of allied health professionals: A program to meet individual student needs", *Journal of Sex Education and Therapy*, vol 20 (1), p.41-46.
- Weis, D. L. & B. Ranbinowitz & M. F. Ruckstuhl. (1992), "Individual changes in sexual attitudes and behavior within college level human sexuality courses", *Journal of Sex Research*, 29, p.43-59.
- Wielandt, H. B. & B. Jeune. (1992), Has the age at sexual debut changed after the safe sex campaign? *Ugeskr laeskr*, 54, p.271-275.
- Williams, J. E. & C.M. Achilles & C. P. Norton. (1985), Appalachian adolescent

health education project (AAHEP) evaluation: A study of teen pregnancy in East Tennessee (1982-1985), Paper presented to the Mid-South Educational Research Association (MSERA), Biloxi, MS.

Yarber, W. L. & T. Anno. (1981), "Changes in sex guilt, primarily sexual intimacy attitudes, and sexual behavior during a sexuality course", *Health Education*, p.17-21.

Zabin, L. S. & M. B. Hirsh & E. A. Smith & R. Streett & others. (1986), "Evaluation of a pregnancy prevention program for urban teenagers", *Family Planning Perspective*, 8, p.119-126.

